

کتابخانه گنجینه
نابلی برای شعر کوتاه



شماره ۶۵
پار ۱۳۸۸

ایشان هم که شده قبول کردم و به یاد آوردم که اولین صفحه شعر جدی مجله سروش را شاعر ممتاز معاصر قیصر امین پور، به راه انداخت و مدتها این صفحه محبوب علاقمندان به شعر بود.

با خودم قرار گذاشتم و هم چنین پیشنهاد دادم که صفحه شعر تازه را که «نفسی تازه کنیم» بر تارکش نشسته بود؛ به شعر کوتاه اختصاص دهم و بر این منوال هم شروع کردم، و البته یکی از قالبهای شعر کوتاه را هم «بیت» می دانستم و نمونه آنها ابیات سبک هندی است که بهراستی بسیاری از آنها شعری کامل، کوتاه و پرمعناست که شاید این موضوع در شعر سبک عراقی یا خراسانی کمتر به چشم آید.

در عین حال فی المثل عباس کیارستمی مصادیقی از حافظ و سعدی برگزیده و به عنوان گزیده شعر آن دو بزرگوار نشر داده است که با توجه به نام پرطمطراق کیارستمی اقبالی هم به آنها شده درحالی که درباره این کار می توان چند و چون کرد که فعلاً مجال آن نیست.

باری... اولین صفحه شعر کوتاه در شماره ۱۳۵۳ سروش خرداد امسال منتشر شد و در این صفحه، حتی برخی ابیات معاصران به عنوان یک شعر آمد، مثلاً این بیت محمدعلی بهمنی؛ که به این صورت نشر یافت:

قطره

اگر چه آب شدیم

ابر بودیم

آفتاب شدیم!

و یا در شماره ۱۳۵۶ این بیت حسین منزوی:
جز همین دربه در دشت و صحاری بودن
ما به جایی نرسیدیم

ز جاری بودن!

و یا این بیت از طالب آملی که شعری کامل است:
افروختن و سوختن و جامه دریدن

پروانه ز من

شمع ز من

گل ز من

آموخت!

می دانیم که «ایجاز» یکی از اصیل ترین و قدیمی ترین شگردهای شعری و آرایه های ادبی است و اطناب و به قول معروف کش دادن موضوع از نقایص شعر و کلام، که البته در موارد استثنایی این اطناب جایز شمرده شده است از جمله هنگام سخن گفتن با معشوق، مثالی هم که اهل ادب برای این امر می آورند داستان حضرت موسی (ع) است که در قرآن کریم هم آمده است، آن جا که خلاوند از او می پرسد؛ ای موسی! در دستان تو چیست و او به تفصیل شرح می دهد که عصای من است، به آن تکیه می دهم و گوسپندانم را با آن می رانم و... ادبا می گویند که صرف گفتن «این عصاست» کافی بود اما چون اینجا «مقام سخن گفتن با معشوق» است و همین نجوای عاشقانه موضوعیت دارد از این رو اطناب جایز است و... بگذریم.

جهان امروز، جهان سرعت است و ما از ادراک زیبایی های اشعار طولانی به خاطر کمبود وقت و... محرومیم پس شعر کوتاه در این زمانه می تواند بسیار به کار بیاید، با توجه به این که ادب پارسی مروج گنجائیدن «بحر در

برای من که به هر حال دغدغه شعر و شاعری دارم و دست کم، دستی بر آتش جریان شعر معاصر، توجه به صفحات شعر و نشریات ادبی از دل مشغولی هایی بوده که پیش ترها بیشتر و اکنون ترها کمتر به آن پرداخته ام از آن رو که اشتغال های مختلف و پرداخت به کارِ گل باعث می شود که آدم از کار دل دور بیفتد (و بهراستی کدام کار دل است و کدام کار گل؟!)

آخرین شماره مجله شعر (۶۱) ویژه شعر کوتاه حسرت مرا برانگیخت که چرا زودتر دست به کار نشدم و مطلع نبودم تا زودتر به قول اخوان کار کهایی را که در این زمینه و درباره شعر کوتاه کرده بودم به دست اهالی این نشریه برسانم و در معرض قضاوت مخاطبان قرار دهم.

به نظر من این دغدغه همه شاعران است که به راه های تازه برای ارتباط با مخاطب بیاندیشند و در زمان وفور و شاید ازدحام و تراجم رسانه ها جایگاه شعر را حفظ و ارتقاء بخشند و پرداختن به شعر کوتاه هم می تواند از این تمهیدات باشد.

در مقدمه عرض می کنم که پس از مدتی دور افتادن از وادی مطبوعات و ذوق و ندی در عالم صوت و تصویر، دوستان مجله سروش مرا به همکاری فراخواندند و با توجه به سابقه این نشریه قلم و قدم می زده اند برای تشبه به

کوزه» و ایجاد اعجاز در ایجاز است.

از طرفی شعر کوتاه در رسانه‌های جدید هم می‌تواند جای ویژه و مهمی باز کند کما این که در قالب «بیامک» اقبال بسیار خوبی پیدا کرده است. سعی‌ام این بود که صفحه شعر سروش را به شعر کوتاه اختصاص دهم که در این راستا هم تا حد امکان کوشیدم، منتها با این همه متأسفانه نامی مناسب برای شعر کوتاه وجود نداشت از این رو پیوسته در این اندیشه بودم تا نامی مناسب این قالب بیایم و به‌عنوان پیشنهاد ارائه دهم. شعر فارسی، شعری است با قالب‌های متعدد و غنی که دربرگیرنده عنوان‌های مختلف با توجه به اقتضانات آن است.

در دوران معاصر با اضافه شدن دو قالب تازه «نیمایی» و «سپید» هنر شعر گسترده‌تری و ظرفیتی کم‌نظیر یافت و محدودیت نداشتن این دو قالب سبب شد که آثار بلندی آفریده شود و منظومه‌هایی در این قالب شکل گیرد. در دوران معاصر، شاعران و مخاطبان شعر با یکی از قالب‌های شعری در خاور دور آشنا شدند:

«هایکو» قالبی است که بر کوتاهی، ظرافت و تصویر استوار است، در حالی که ما در شعر پارسی، علاوه بر قالب‌های هم‌چون دوبیتی، رباعی و تک‌بیتی قالب‌هایی مثل هایکو نیز داشته‌ایم و آثار آنها موجود است. «خسروانی» یکی از این نمونه‌هاست که مرحوم اخوان نگاشته‌ای مشیع درباره آن دارد، «لوبانگی» و یا «سه‌خشتی» نیز که در کردی کرمانجی وجود دارد و نوعی شعر سه‌سطری هشت‌هجایی است ادامه‌ای از خسروانی‌های شعر فارسی است.

«لیکو» هم در سیستان از همین نوع است، شعر کوتاه امروز از جذابیت مضاعفی برخوردار شده است و برای روزگار شتاب و کمبود وقت نیز مناسب نیز می‌نماید، منتها تطبیق شعر کوتاه با هایکوی ژاپنی از جهات مختلف ناپسندیده و ناخوشایند است، زیرا ظرایف، شگردها، اندیشه و سابقه شعر فارسی در شعر ژاپنی نیست و از طرفی این نام برای شعر ژاپنی با ویژگی‌های خاص است و در زبانی دیگر قابل تطابق نیست، از طرفی شعر کوتاه، اعم از هایکو و آثار کوتاه دیگر است. از این رو لازم است از امکانات زبان فارسی برای این قالب استفاده شود.

پیشنهاد این قلم برای شعر کوتاه نام «آنک» است. «آنک» شعری است کوتاه و کامل، بهره‌گرفته از امکان شعر نیمایی و سپید که حداکثر در پنج بند و جمله، حرف خود را بیان می‌کند و دربرگیرنده تأملی شاعرانه، تصویر، ایهام و یا اندیشه‌های عمیق و موجز است. علاوه بر آن حتی گاه ممکن است کاریکلماتوروار هم باشد کما این که در ابیات شعر کهن نیز از این گونه وجود دارد، مثال دم دستی آن:

ما نمائیم و عکس ما ماند
گردش روزگار برعکس است!

گاه نیز می‌تواند مانند رباعی معنایی فشرده و به‌قول معروف کپسولی داشته باشد و اگر بخواهیم از اصطلاحات علوم جدید بهره بگیریم باید بگوییم نوعی «نانو شعر» است مثل نانو تکنولوژی!

از این رو گاه می‌تواند دژیا را در لیوانی جای دهد و ضربه و تکان دهندگی آن، مخاطب را در اندیشه فروبرد گاه هم مثل دوبیتی حسبی ناب را منتقل کند. مثل این «آنک» جناب شفیعی کدکنی که بارها خوانده‌ایم و دیده‌ایم:

آخرین برگ سفرنامه باران این است
که زمین، چرکین است!

«آنک» از میان کلمات و نام‌های مختلف آمد و حاصل تأملات این قلم بود



پیشنهاد
این قلم برای قالب
شعر کوتاه نام «آنک»
است. «آنک» شعری
است کوتاه و کامل،
بهره‌گرفته از امکان
شعر نیمایی و سپید که
حداکثر در پنج بند و
جمله، حرف خود را بیان
می‌کند و دربرگیرنده
تأملی شاعرانه، تصویر،
ایهام و یا اندیشه‌های
عمیق و موجز است

و اول بار در شماره دوم شهریور سروش (۱۳۶۵) درباره آن نوشتم و بعدتر به ویژگی‌های آن پرداختم.

به یاد داریم که سالها پیش برای شعر کوتاه کلمه «طرح» نیز به کار برده می‌شد که به نظر کاملاً اتفاقی برای شعر کوتاه برگزیده شده و از ذوق شاعرانه بعید است که چنین کلمه‌ای را برای نامیدن گونه‌ای شعر انتخاب کنند زیرا مناسبتی با شعر ندارد. معنای اصلی کلمه طرح به معنای کنار زدن و طرد کردن است و در بین اهل علم این مثل مشهور است که «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» یعنی جمع کردن بین دو چیز بهتر است از طرد کردن است. واضح است که مناسبتی بین معنای این کلمه و شعر وجود ندارد.

کلماتی چون ترانک هم مناسب نمی‌نماید چرا که اصولاً چنین قالبی وجود دارد و عنوان یکی از قالب‌های شعری است که کلمه تغییر یافته یا مرخم و به «ترانه» بدل شده باشد.

کلمه «آن» و «آنک» چندوجهی است و معانی مختلفی دارد، اولاً که واژه‌ای است برای اشاره به دور اعم از مکان و زمان، و ثانیاً به معنای سبب، اسم اشاره، تفهیم جا و مکان و همین‌طور به معنی رأی و عقیده آمده است؛ سندی می‌گوید:

«من نیز بر آنم که همه خلق برآند»

علاوه بر این‌ها، به معنای دم و وقت هم آمده است و «آن» در ادبیات عرفانی ما بایی گسترده دارد که مجال پرداختن به آن در این مختصر نیست، تنها از زبان حافظ می‌گوییم:

«شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد
پنده طلعت آن باشی که آنی دارد»

و شعر سرشار از این «آنات» است و شعر کوتاه دست کم باید آنی داشته باشد تا «آنک» شود!



شماره ۶۵
بهار ۱۳۸۸